

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از

جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۰

سید صدرالدین موسوی جشنی^{۱*}

مسعود درودی^۲

چکیده

امام خمینی (ره) در گفتمان دفاعی خود برای تحقق اهداف کلان امنیتی- دفاعی دارالاسلام (جهان اسلام) از شیوه تصویرسازی یا بازتولید و بازنمایی «دیگری» به مثابه دشمن و بیگانه استفاده کرد. در این روش امام خمینی (ره) با دیگرسازی استکبار، سطح ملی امنیت و سطح امنیت و دفاع از جهان اسلام را به سطح فراملی یا بین‌المللی آن پیوند زد. دفاع از دارالاسلام در گفتمان دفاعی ایشان فقط شامل سرزمین نمی‌شود، بلکه دفاع از کیان و حوزه اسلام، دفاع از مسلمانانی است که مورد حمله و تهاجم قرار گرفته‌اند، همچنین دفاع از هجوم بر خود و دفاع از مظلومان و مستضعفان مورد تجاوز است. هدف اصلی این پژوهش نشانه‌شناسی عناصر، استعاره‌ها و اجزای بازنمایی و دیگرسازی استکبار در گفتمان دفاعی (معطوف به جهان اسلام) امام خمینی (ره) در سه سپهر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که استکبار به مثابه «دیگری» در گفتمان دفاعی ایشان به چه صورت بازنمایی می‌شود. برای ارائه پاسخ به این سؤال، از روش تحلیل گفتمان با اتکاء بر آثار امام خمینی (ره) استفاده شده است. در این نوشتار با تأکید بر نشانه‌شناسی تلاش شده است بازنمایی استکبار در اندیشه دفاعی او بر اساس "نمایش دیگری" یا "بازنمایی دیگری" در دیدگاه استورات هال بررسی شود.

واژگان کلیدی: جهان اسلام، امام خمینی (ره)، بازنمایی، دیگری، گفتمان دفاعی

۱*. استادیار علوم سیاسی گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

(نویسنده مسئول: Sadrmoosavi@yahoo.com)

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

مقدمه

حضرت امام خمینی (ره) در گفتمان دفاعی خود از نگاه سخت‌افزاری، یعنی قدرت، تسلیحات، ژئوپولیتیک و اقتصاد فراتر رفته و با رویکرد نرم‌افزاری به معنای استفاده از ساختارهای معنایی زبان، فرهنگ و گفتمان به این امر می‌نگرد. گفتمان دفاعی بنیان‌گذار انقلاب از یک بعد به الگوی بسیج منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری جهان اسلام برای تحقق اهداف کلان امنیتی- دفاعی مربوط می‌شود، و از سوی دیگر سطوح ملی- فراملی در هم‌تنیده‌ای را شامل می‌شود که امنیت نظام اسلامی را به امنیت در جهان اسلام و در نهایت به جهان محرومان و مستضعفان پیوند می‌زند. امام خمینی (ره) در گفتمان دفاعی خود برای تحقق اهداف کلان امنیتی- دفاعی از شیوه تصویرسازی/ بازتولید و بازنمایی «دیگری» به مثابه دشمن و بیگانه استفاده می‌کند. در این روش ایشان با دیگرسازی استکبار، سطح ملی امنیت و دفاع امنیت جهان اسلام را به سطح فراملی آن پیوند می‌زند. هدف اصلی این پژوهش نشانه‌شناسی عناصر، استعاره‌ها و اجزای بازنمایی و دیگرسازی استکبار در گفتمان دفاعی رهبر کبیر در سه سپهر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. سؤال اصلی این پژوهش آن است که استکبار به مثابه «دیگری» در گفتمان دفاعی حضرت امام خمینی (ره) به چه صورت بازنمایی می‌شود.

الف- مبانی نظری و روش

۱- مبانی نظری

در تحقیق حاضر، تحلیل بازنمایی «استکبار» به مثابه «دیگری» در گفتمان دفاعی حضرت امام خمینی (ره) بر اساس روش تحلیل گفتمان انجام خواهد شد. در این نوشتار با تأکید بر نشانه‌شناسی، تلاش شده است بازنمایی استکبار در اندیشه دفاعی بنیانگذار انقلاب بر اساس «نمایش دیگری» یا «بازنمایی دیگری» در دیدگاه استورات هال (Hall, 2003) بررسی شود.

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

در تبیین و بررسی گفتمان دفاعی و عوامل مؤثر بر آن، تلاش شده است از نگاه سخت‌افزاری، به معنای بررسی قدرت، تسلیحات، ژئوپولیتیک و اقتصاد به سمت دیدگاه نرم‌افزاری، یعنی بررسی ساختارهای معنایی زبان، فرهنگ و گفتمان حرکت شود. در این نگاه گفتمان دفاعی حضرت امام (ره)، از طریق نشانه‌شناسی، روان‌کاوی و عناصر «بیگانه‌ستیزی» برجسته و در متن به جنبه‌های پنهان در درون گفتمان دفاعی به گونه‌ای مستند پرداخته می‌شود. بدین منظور در نوشتار حاضر، آثار ایشان، از جمله صحیفه امام و دیگر آثار مرتبط واکاوی شده است.

۱-۱- تعریف سیاست دفاعی

در یک تحلیل ساده، سیاست دفاعی را باید مجموعه روش‌ها و تدابیری دانست که در دفع یا کاهش پی‌آمدهای حاصل از بروز یک تهدید امنیتی به وسیله رهبران جامعه توجه می‌شود. با این وصف، در چارچوب مکاتب فکری گوناگونی که در مقام تعریف و تبیین نظریه سیاست دفاعی قرار گرفته‌اند، از زوایای متفاوتی به این معنا توجه کرده که حداقل به دو زاویه آن می‌توان اشاره کرد. اولی، برداشت محدودی است که سیاست دفاعی را فقط در حیطه رویکرد و اهتمام یک دولت نسبت به مسائل و مقوله‌های نظامی توجه می‌کند. بر این اساس، سیاست دفاعی با «سیاست نظامی» مترادف و مساوی تلقی شده و در کنار دیگر سیاست‌های دولتی مانند سیاست اقتصادی و سیاست آموزشی قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۱: ۵۰-۴۵). برداشت دوم، ریشه در دیدگاه آنانی دارد که همگام با گسترش دامنه تحلیل امنیت و دفاع از حوزه نظامی، راهکارهای امنیت‌زایی و دفع تهدید را از طریق اتکای بر تمامی عناصر قدرت ملی توجه می‌کند. بر مبنای این تفسیر موسع، مواردی چون جنگ اقتصادی، سلاح تبلیغات و جنگ روانی، رقابت‌های علمی و فناورانه، و بازنمایی دشمن در گفتمان‌های دفاعی و غیره ابزارهایی ضروری هستند که در چارچوب فرایندی هماهنگ‌کننده و انسجام‌آفرین به سیاست دفاعی یک دولت شکل می‌دهند (نوروزی، ۱۳۸۵: ۴۱۹).

سیاست دفاعی هر دولت از الگوی کلان برداشت آن از مقوله تهدید یا «راهبرد امنیت ملی» نشأت می‌گیرد. در این ارتباط، مفاهیم دیگری چون «راهبرد دفاعی» و «دکترین

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

دفاعی» معنایی یابد (زه‌دی، ۱۳۸۶: ۱۸). در هر نوع سیاست دفاعی، سطح خاصی از «انتزاع‌گرایی» قابل مشاهده است. بر این مبنا، الگوی برداشت فاعل‌شناسنده از «ماهیت و شدت تهدید» بر چگونگی مقابله با آن (سیاست دفاعی) و حتی شیوه مدیریت تهدید تأثیرگذار است. ناگفته‌نماند که این برداشت تحت‌تأثیر مؤلفه‌های تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک و غیره قرار دارد. سیاست دفاعی نسبت‌به «روندهای فراملی» (منطقه‌ای و بین‌المللی) از حساسیت و تأثیرپذیری خاصی برخوردار است (متقی، ۱۳۸۳: ۴۰).

نظام تعامل میان سیاست دفاعی یک واحد ملی یا یک مجموعه واحد (جهان اسلام یا امت اسلامی) با سطح نفوذپذیری آن از رابطه‌ای معکوس حکایت می‌کند. به این ترتیب، به هر میزان که تمهیدات و رویکرد دفاعی از جامعیت و فراگیری بالاتری در رویارویی با تهدید یا فشار محیطی برخوردار باشد، میزان آسیب‌پذیری بازیگر موردنظر نیز با کاهش بیشتری مواجه خواهد شد. این بحث موضوع برنامه‌ریزی دفاعی را با مقوله «عدم اطمینان» پیوند می‌زند. بر این مبنا، همواره مجموعه‌ای نامعین، مبهم و غیرقابل پیش‌بینی از مؤلفه‌های تأثیرگذار وجود دارند که عقلانیت ناظر بر جریان تصمیم‌سازی دفاعی را در پیش‌بینی آینده با محدودیت خاصی روبرو می‌کند. به همین دلیل است که به‌زعم تحلیلگران، سیاست دفاعی باید با نوعی انعطاف‌پذیری، قابلیت تطبیق و استحکام ذاتی همراه باشد (جانسون، ۲۰۰۳: ۵۸). نکته نهایی اینکه سیاست دفاعی دولت‌ها همواره با مفهوم «دیپلماسی دفاعی» ارتباط دارد. این مفهوم به الگویی برای ترکیب شاخص‌های دفاعی با نشانه‌هایی از چانه‌زنی سیاسی، ترغیب و پاداش اشاره دارد (متقی، ۱۳۸۵: ۱۲).

۱-۲- تعریف گفتمان، معنا و دیگری

تاریخچه پیدایش و تکوین گفتمان‌پژوهی در مطالعات فرهنگی به کمتر از نیم قرن می‌رسد که نیمی از این زمان فقط شامل کوشش‌های میشل فوکو فیلسوف و تاریخ‌شناس بزرگ فرانسوی در ارائه کارهای متمایز با این روش و نظریه می‌شود. به اعتقاد او، گفتمان مفهومی است که پیرامون تولید معنا از طریق زبان تعریف می‌شود، اما نظر به اینکه همه اعمال اجتماعی شامل معنا هستند، و همچنین «معانی» به آنچه انجام می‌گیرد شکل می‌دهند

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

و بر آن تأثیری گذارند، در نتیجه همه اعمال جنبه‌ای گفتمانی دارند (هال، ۱۳۸۶). به‌طور کلی، فوکو معنابخشی را محصول گفتمان و نظام‌های متفاوت و گوناگون معرفت می‌داند و این معنای به‌دست‌آمده را مترادف با «حقیقت» برمی‌شمارد (پین، ۱۳۷۹: ۷۹). «هدف فوکو جست‌وجوی نظام‌های مختلف دانش و گفتمان‌ها و قواعدی است که تعیین می‌کنند چه چیزی را باید گفت یا نباید گفت و کدام درست و کدام غلط» است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۴: فیلون، ۲۰۰۵: ۵۰-۶۴). در اندیشه فوکو موضوعاتی همچون دیوانگی و تنبیه، فقط درون گفتمان‌های خود به‌صورت معنادار وجود دارند و مفاهیم «ما» و «دیگری» در این اندیشه درست در جایی قرار دارند که به بررسی هریک از این موضوعات می‌پردازد.

لاکلائو و موفه، شکل‌گیری هویت‌های جمعی و فردی را در چارچوب مفهوم «دیگری» توضیح می‌دهند. باید به خاطر داشت به عقیده «شتال موفه»، هر اجماعی را می‌توان در راستای یک هژمونی موقت درک کرد که به همراه خود، «نوعی طرد و حذف دیگران را در پی دارد» (موفه، ۱۳۸۵: ۵۲).

به‌طور خلاصه از مجموع بررسی‌های پیشین چنین برمی‌آید که هرچند مفهوم «دیگری» در میان آثار میشل فوکو جایگاه مرکزی ندارد و این مرکزیت حول مفاهیم قدرت و دانش بیشتر است، با این وجود، می‌توان تولید «دگرسازی» را یکی از مهم‌ترین سازوکارهای قدرت برای هویت‌یابی و تولید معرفت مرتبط با آن-اینکه چرا باید به عملی دست زد- (ون لوون، ۲۰۰۷: ۹۴) قلمداد کرد. هرچند می‌توان در اینجا از سویی به توجه فوکو به مسئله خود، یعنی نقد به‌عنوان تکنیکی برای شناخت خود (شارپ، ۲۰۰۵) نیز اشاره کرد، اما باید پذیرفت «دیگری» در اندیشه فوکو نشانی است از اندیشه متفاوت، تفکر مخالف، گفتمان نوین و شکل‌بندی جدیدی از قدرت و نه فقط یک فرد یا گروه متفاوت به‌عنوان «دیگری» در برابر «خود».

۱-۳- نمایش «دیگری» در دیدگاه استوارت هال

مفهوم «دیگری» در این مقاله، به‌عنوان بخشی از سازوکارهای تفاوت بخشی، هم به‌عنوان یک مفهوم مستقل در برابر «خود» و صد البته هم به‌عنوان مفهومی نیازمند فرایند

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

«بازنمایی» برای معنادار شدن، نگریسته می‌شود. منظومه دال‌های گفتمان دفاعی حضرت امام خمینی (ره) و نظام معنایی، دلالتی و نمادین آن بخشی از فرهنگ و جهان فرهنگی جامعه ایران و جهان اسلام به‌شمار می‌آید. گفتمان دفاعی در این پژوهش، همانا کاربرد زبان، نشانه‌ها، نمادها و استعاره‌ها برای بیان وضعیت سوژه‌های گفتمان دفاعی در برابر «دیگری» و همچنین بازتاب دنیای ناخودآگاهانه ایرانیان و جهان اسلام در نگاه به «دیگری» به مثابه بیگانه است، چراکه نشانه‌ها، نمادها و استعاره‌ها در روانکاوی کلید ورود به ناخودآگاه فردی و جمعی به‌شمار می‌رود (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۹).

در این پژوهش تلاش شده است بازنمایی استکبار در اندیشه دفاعی امام خمینی (ره) بر اساس «نمایش دیگری» یا «بازنمایی دیگری» در چارچوب دیدگاه استورات هال بررسی شود، بنابراین لازم است در این قسمت مفهوم نمایش دیگری یا بازنمایی دیگری در دیدگاه استورات هال به‌طور مختصر توضیح داده شود.

بازنمایی نقطه شروع مطالعه دیگری است. استورات هال با گذر از بحث فوکو درباره گفتمان، به نظام بازنمایی می‌رسد؛ جایی که پس از شرح نظریه گفتمان، چرخشی دارد از انتزاع به سوی دنیای واقعی. ایده اصلی درباره بازنمایی از نظر هال، پذیرفتن حدودی از نسبت فرهنگی میان یک فرهنگ و دیگری است، جایی که با فقدان قطعی تعادل روبه‌رو شده و به همین دلیل نیاز اصلی به ترجمه به‌وجود می‌آید، به نحوی که «ما از مجموعه ذهنی (Mind-set) یا جهان مفهومی یک فرهنگ به دیگری پیش می‌رویم» (هال، ۱۹۹۷). بازنمایی در این معنا محلی برای به‌رسمیت‌شناختن مفهوم «دیگری» است. بازنمایی از نظر استورات هال دو نظام به هم مرتبط دارد که در مرکز فرایند تولید معنا در هر فرهنگی جای دارند: نخستین نظام، معنابخشیدن به جهان را برای بشر ممکن می‌سازد، نظام دوم، مجموعه‌ای از تطابق‌ها میان نقشه مفهومی بشر مجموعه‌ای از نشانه‌ها را ایجاد می‌کند. این روابط میان «چیزها، مفاهیم و نشانه‌ها، در قلب تولید معنا در زبان» قرار دارند. فرایندی که این سه عنصر را به هم پیوند می‌دهد، همان چیزی است که هال «بازنمایی» (Representation) می‌نامد. در واقع، از رابطه میان این دو نظام بازنمایی، نشانه‌ها تولید شده، درون زبان سازمان می‌یابند، معنا تولید می‌کنند و می‌توان آن‌ها را برای ارجاع به اشیاء، مردم

و اتفاقات در جهان واقعی استفاده کرد.

چنانچه زبان، به تعبیری حرف و منظور انسان را برساند، «اما این نکته نیز مهم است که در لحظات تاریخی معین، بعضی مردم قدرت بیشتری در صحبت کردن درباره بعضی موضوعات نسبت به دیگران دارند.» حال استدلال می‌کند الگوهای بازنمایی مورد بحث این منتقدان، بر قضایای پهن دامنه‌تر دانش (Knowledge) و قدرت (Power) تمرکز می‌کند. حال در راستای اندیشه فوکو درباره سوژه در بازنمایی می‌گوید: «سوژه در درون گفتمان تولید می‌شود. این سوژه متعلق به گفتمان نمی‌تواند بیرون از گفتمان وجود داشته باشد، زیرا باید تحت سلطه گفتمان باشد. سوژه باید مطیع قواعد و قراردادها و صورت‌بندی‌های قدرت-دانش باشد. به نظر می‌رسد «سوژه» فوکو از طریق گفتمان در دو مفهوم یا مقام تولید می‌شود: اول، گفتمان، خود تولیدکننده «سوژه» است، دوم، گفتمان مکانی را برای سوژه در نظری می‌گیرد (خواننده یا بیننده که همچنین تحت کنترل گفتمان است) که از آن سوژه، دانش و معنای خاص او به صورت معناداری متبلور می‌شود.

استوارت هال از این رویکرد، به عنوان رویکردی نام‌می‌برد که تأثیرات اساسی بر نظریه بازنمایی داشته است، زیرا گفتمان در چنین دیدگاهی، موقعیت سوژه را تعریف می‌کند و از طریق آن، خود به صورت معنادار و مؤثر عمل می‌کند. افراد ممکن است به لحاظ طبقه اجتماعی، جنسیت، ویژگی‌های نژادی و قومی (و دیگر فاکتورها) تمایز داشته باشند، اما تنها زمانی می‌توانند به صورت معنادار عمل کنند که در یکی از جایگاه‌هایی قرار گیرند که گفتمان آن را تعریف کرده باشد؛ به نحوی که خود را تحت انقیاد قواعد آن گفتمان قرارداد و بنابراین سوژه قدرت-دانش آن شده باشند. سرانجام، اینکه هال «نمایش دیگری» را در چارچوبی از عملکرد بازنمایی و با استفاده از رویکرد فوکو در باب گفتمان و سوژه مطالعه می‌کند. هال «نمایش دیگری» را با کلیشه‌سازی پیوند می‌دهد. کلیشه‌سازی از نظر او عبارت است از امری که «افراد را به چند خصیصه ساده و ذاتی تقلیل می‌دهد و این خصیصه‌ها به مثابه خصیصه‌هایی بازنمایی می‌شوند که طبیعت آن‌ها را تثبیت کرده است» سپس، هال از چند جنبه به بررسی کلیشه‌سازی در ساختن نمایش «دیگری» می‌پردازد:

۱. کلیشه‌سازی، «تفاوت» را تقلیل می‌دهد، ذاتی می‌کند، طبیعی می‌سازد و در نهایت

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفت‌وگو دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

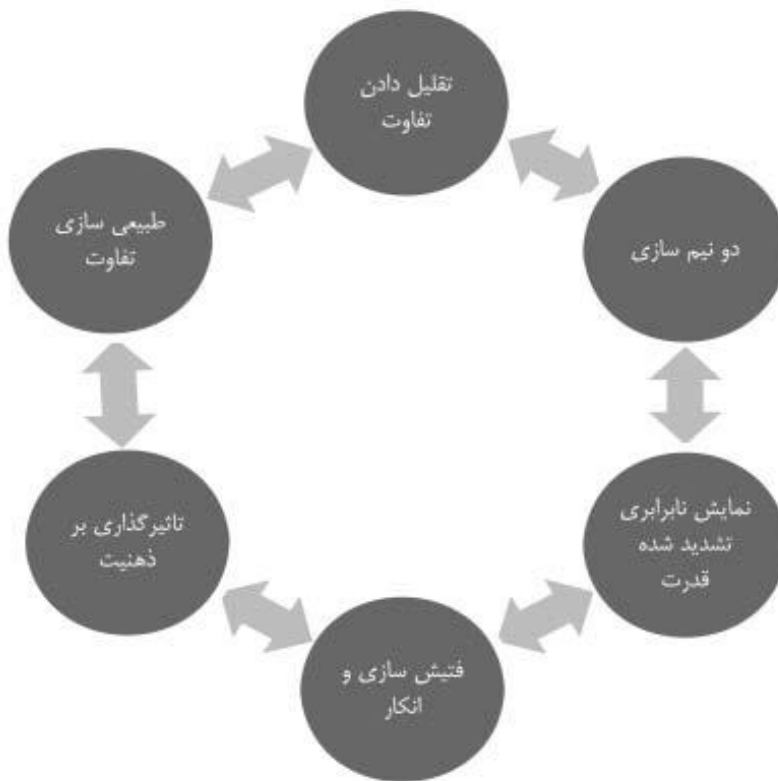
تثبیت می‌کند؛

۲. کلیشه‌سازی از استراتژی «دو نیم کردن» بهره می‌گیرد؛

۳. کلیشه‌سازی میان قدرت، بازنمایی و تفاوت ارتباط برقرار می‌کند.

این سازوکار دیگری‌سازی را می‌توان به‌طور خلاصه همان‌طور که در نمودار شماره ۱

آمده‌است، نمایش داد:



نمودار شماره ۱

۲- روش شناسی

در این پژوهش روش تحلیل گفتمان با اتکاء بر آثار امام خمینی (ره) استفاده شده است. در این نوشتار با تأکید بر نشانه‌شناسی تلاش شده است بازنمایی استکبار در اندیشه دفاعی امام خمینی (ره) بر اساس "نمایش دیگری" یا "بازنمایی دیگری" در دیدگاه استورات هال بررسی شود. استورات هال، روش تحلیل گفتمان مورد استفاده برای فهم عملکرد بازنمایی را شامل بررسی موارد ذیل می‌داند:

۲-۱- شیوه نام‌گذاری

هدف از جستجوی شیوه نام‌گذاری، کشف امکانات و نوع امکانات واژگانی مورد استفاده گروه‌های مختلف برای نامیدن و توصیف ویژگی‌های خود و دیگری است. به‌عنوان نمونه، استفاده حضرت امام خمینی (ره) از عبارات و توصیفات ویژه‌ای که به استکبار جهانی به مثابه «دیگری» نسبت می‌دهد، نشان می‌دهد که ایشان بر پایه طرز تلقی خود از استکبار، نسبت به آن چه واکنشی داشته و چگونه آن را توصیف کرده است، به بیان دیگر «شیوه‌های مختلف نام‌گذاری یک پدیده اجتماعی واحد، نشانگر دل‌بستگی‌های گروهی افراد است و با بررسی آن می‌توان به این دل‌بستگی‌ها پی برد» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

۲-۲- شیوه انتخاب واژگانی

هدف عمده انتخاب واژگانی، «مطالعه شیوه‌های بازنمایی گروه‌های خودی و غیرخودی در متن است». انتخاب واژگانی کمک می‌کند تا به مطالعه فرایند پیرداخته شود که در آن، متن ضمن حفظ انسجام و یکپارچگی خود، به واسطه برگزیدن واژگان خاصی، به بساختن حقیقت به سبکی ویژه بپردازد.

۲-۳- تحلیل بینامتنیت

تحلیل بینامتنی در پی یافتن بخش‌هایی از تلقیات، مشاهدات و مطالب مطرح شده به‌وسیله گوینده است (مثلاً امام خمینی (ره) در باب استکبار) که به طریق خاصی نقل

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

شده‌اند. اینکه کدام بخش نقل شده، مستقیم یا غیرمستقیم نقل شده، چگونه نقل شده و چگونه دیگری را به چالش کشیده یا خود را نقادی کرده‌است؟ تحلیل بینامتنی تکنیکی است برای رسیدن به پاسخی برای این پرسش‌ها (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۲۷-۱۲۹).

۲-۴- تعریف عملیاتی مفاهیم

در تعریف عملیاتی نیز باید گفت در نوشتار حاضر، منظور از استکبار به مثابه «دیگری» در گفتمان دفاعی امام (ره) مجموعه اعمال منفعت محور و سلطه‌آمیز کشورهای بیگانه و در رأس آن‌ها آمریکا است. واژه «گفتمان» به گونه‌ای مترادف و هم‌معنا با واژگان سخن، نظم گفتار، متن، زبان و کنش گفتار به کار رفته‌است. گفتمان هم سازنده و هم برساخته است و نه تنها در تولید و بازتولید ساختارهای اجتماعی دخیل است، بلکه منعکس‌کننده آن‌ها نیز هست. در اینجا منظور اصلی از گفتمان به شیوه‌ای از متن و گفتار بازمی‌گردد که از زاویه دیدی خاص به تجربیات ما معنای دهد. «بازنمایی» نیز در این نوشتار به معنی تولید معنا از طریق چارچوب‌های مفهومی و گفتمانی است. به این منظور که «معنا» از طریق نشانه‌ها، به ویژه زبان تولید می‌شود (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۵).

مفهوم «بیگانه» ریشه در تمایز میان انسان ملی و غیرملی دارد، که به دوگانگی‌های عصر مدرن معنای دهد (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲). مفاهیمی چون حاکمیت و اصل سرزمینی که در دوران جدید به وجود آمده کمک می‌کند تا آنچه از مفهوم بیگانه برمی‌آید درک شود. حاکمیت به معنی کنترل سرزمینی است که در محدوده‌های قانونی دولت‌های مدرن ملی وجود دارد. مفهوم عنصر «بیگانه‌ستیزی» نیز با مفهوم بیگانه مرتبط است. با پیدایش انسان ملی و مرزهای ملی اتفاقی که رخ داد آن بود که دیوارهای هویتی میان انسان ملی و بیگانه باعث احساس جدایی و بیگانگی بین این «دیگری‌ها» شد و برای انسان ملی این دیگری به یک «هستی ناشناخته» مبدل شد. همین مسئله به «تصویرسازی‌های جمعی» از بیگانه در سامانه معرفتی جامعه و جهان فرهنگی جامعه، معنا و مفهوم می‌دهد (هال، ۲۰۰۳: ۷۸). در واقع در عصر مدرن و برای جوامع ملی این «دیگری» یک تصویر شده‌است؛ تصاویری که نمایشگر بازشناسی بیگانه در تعاملات میان جوامع در عصر مدرن است. حال هر نوع از

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

تصاویر منفی و نامطلوب جمعی که از «دیگری» در سامانه معرفتی و جهان فرهنگی جامعه با تولیدشود، یک عنصر بیگانه‌ستیزی به‌شمار می‌آید. این بیگانه‌سازی و بازنمایی آن در قالب گزاره‌ها، استعاره‌ها و نشانه‌ها در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره)، ریشه‌های آشکار و پنهان بسیاری دارد که به‌طور کلی می‌توان آن را در تکوین و ظهور گفتمان انقلاب اسلامی تبارشناسی کرد.

حضور غرب در دوران‌های قبل و دخالت آن‌ها و نفوذشان در جامعه و سیاست ایران و همچنین در کشورهای اسلامی، با اینکه بسیار مسئله‌برانگیز بود، اما تبدیل شدن آن‌ها به سایه‌هایی از یک دشمن مفروض زمانی برای ایرانیان پررنگ‌تر و موجه‌تر شد که آنان وارد دوران رویارویی و کنش‌شده‌بودند. در این زمان با شکل‌گیری جنبش ملی‌گرای و ملی‌شدن صنعت نفت در ایران، آنان برای نخستین‌بار اقدامی فعال و کنش‌گرانه نسبت به جهان غرب را در عرصه سیاست خارجی به ظهور رساندند و موفقیت‌هایی به‌دست‌آوردند. این کنش‌تقابلی با غرب، با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) شکل جدید و شدیدتری به خود گرفت. این درحالی بود که بیشتر کشورهای اسلامی در انقیاد استعمار و استعمار نو بودند.

دال «غرب‌گرایی» و دال «امپریالیسم‌ستیزی» در پرتو تعابیر امام راحل و انقلابیون مذهبی (روحانی یا غیرروحانی) در تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران و تثبیت گفتمان آن نقش اساسی داشت. این نظام سیاسی نوپا از سوی دیگر مورد حمله و حملات و توطئه‌ها در داخل و خارج شد و هنوز چند سالی از انقلاب نگذشته بود، که جنگ تحمیلی از سوی عراق، همت کشور را به مدت هشت سال معطوف به خود کرد. جنگی که بر اساس گزارش‌های مختلف بین‌المللی، جنگی تحمیل‌شده از سوی عراق و رژیم بعثی آن بود (ویلیامز، ۱۹۸۷: ۹). در این میان، غرب‌زدایی از جهان ایرانی در زبان رهبر انقلاب و سوژه‌های انقلابی چنان شدت و حرارتی داشت که به تمام عرصه‌های حیات زندگانی ایرانی نفوذ کرده‌بود و تمام پدیده‌های انسانی به غربی و غیرغربی تقسیم می‌شد.

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

ب- نظریه گفتمان دفاعی امام (ره): "دفاع همه‌جانبه از جهان اسلام"

شالوده گفتمان دفاعی امام به مفهوم «دشمن‌شناسی» به‌منظور «دفع تهدید» و «امنیت‌زایی» بازمی‌گردد. در چارچوب تفکر دفاعی امام (ره) پدیده تهدید و دشمن در یک «نظام عقیدتی - ژئوپلیتیک» معنا و هویت‌می‌یابد. در بعد عقیدتی و فقهی، تأکید ایشان بر شناخت دشمن و انگیزه‌های آن با نوعی تکلیف‌گرایی شرعی ارتباط تنگاتنگ دارد.

نکته بعد اجزای تشکیل‌دهنده یا چارچوب مفهومی نظریه دفاع همه‌جانبه را دربرمی‌گیرد. بر اساس الگوی استنتاجی این نوشتار، رویکرد دفاعی امام (ره) فراتر از حوزه امنیتی - نظامی، به عرصه‌های غیرنظامی نیز قابل تسری است، به بیان دیگر آموزه دفاع همه‌جانبه متأثر از اصل جامع‌نگری در کنار بصیرت و روشن‌بینی (به‌عنوان بخشی از اصول مقوم اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام)، گفتمان دفاعی را در قالب تفسیری موسع که تمامی ابعاد حیات اجتماعی را دربرمی‌گیرد تأکید می‌کند. بر این مبنا، گستره مفهومی این آموزه افزون بر بعد نظامی، حوزه‌های «دفاع فرهنگی» (ایجاد خودباوری و آزادی جهان اسلام از سلطه فرهنگی استعمار)، «دفاع اقتصادی» (در قالب خودکفایی) و «دفاع سیاسی» (در قالب استقلال کشورهای اسلامی) را شامل می‌شود. در یک رویکرد ژئوپلیتیک، در صحنه عمل هریک از سطوح دفاعی در حوزه‌های ملی، در سطح جهان اسلام و در سطح فراملی قابل طبقه‌بندی است.

در رویکرد دفاع همه‌جانبه در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره)، دفاع در مقابل «استکبار» نقش برجسته‌ای دارد. در این گفتمان عرصه داخلی و خارجی (در سطح کشور و در سطح جهان اسلام) از هم منفک و جدا نیستند، درحالی‌که نقطه اشتراک این دو عرصه را بایستی در بازنمایی «دیگری تهدیدکننده» به مثابه «دشمن» جستجو کرد که در چارچوب نظریه استوارت هال قابل تحلیل است. در این چارچوب، در سطور بعد چگونگی بازنمایی «استکبار» در این گفتمان در سه خرده‌گفتمان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پژوهش و واکاوی خواهد شد.

۱- گفتمان دفاع فرهنگی

در رویکرد خاص الهی- انسان گرایانه امام (ره) نسبت به انسان و جوامع انسانی، فرهنگ و مضامین وابسته به آن از گستره عمیقی برخوردار است که همه رفتارها و نگرش‌ها در حوزه آن تعریف می‌شوند. در واقع، مقوله فرهنگ از اجزای بنیادی راهبرد دفاعی ایشان محسوب می‌شود، به طوری که امام می‌فرماید: «بزرگ‌ترین تحولی که باید بشود در فرهنگ باید رخ دهد؛ برای اینکه بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را به تباهی می‌کشد، یا به اوج عظمت و قدرت می‌کشد» (صحیفه امام، ج ۷: ۴۷۳).

در چارچوب نظریه هال، بنیانگذار انقلاب در بازنمایی دشمن یا در فرایند دیگرسازی به تولید معنا می‌پردازد که در نتیجه معنابخشیدن به جهان در قالب گفتمان اسلامی را برای مخاطب ممکن می‌سازد. به بیان دیگر امام مجموعه‌ای از نشانه‌ها را ایجاد و یا از نشانه‌های موجود بهره‌برداری می‌کند. این روابط میان "چیزها، مفاهیم و نشانه‌های" مدنظر هال به تولید معنا در قالب زبان جدید به وسیله امام منجر می‌شود. فرایندی که این سه عنصر را به هم پیوند می‌دهد، همان چیزی است که هال «بازنمایی» (Representation) می‌نامد. در نهایت امام نشانه‌ها را تولید، درون زبان سازمان‌دهی کرده، معنا تولید می‌کند و آن‌ها را برای ارجاع به اشیاء، مردم و اتفاقات در جهان واقعی استفاده می‌کند. امام دیگر برای ارجاع به دشمن از واژگانی مانند امپریالیسم استفاده نمی‌کند، بلکه نشانه‌ها و معانی خود را تولید می‌کند که ذیلاً توضیح داده خواهد شد.

از منظر امام، بهره‌گیری از این اندوخته نرم‌افزاری یا منبع نرم‌افزاری قدرت برای دفع تهدید و افزایش امنیت، نیازمند لوازم و شرایط خاصی است. از جمله می‌توان به ضرورت هماهنگی با پیام‌ها و سازوکارهای فرهنگ اسلامی و پرهیز از قوم‌مداری فرهنگی اشاره کرد که باعث تقویت «هویت» و خودباوری فرهنگی در جهان اسلام به‌عنوان مجموعه‌ای از اخوان خواهد شد. در سطح ملی، دفاع فرهنگی، یعنی آنچه که به ایران اسلامی مربوط می‌شود. در این رویکرد اصول خاصی تأکید می‌شود که درباره تک‌تک کشورها کاربرد دارد و هم درباره جهان اسلام به‌مثابه یک مجموعه:

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

- ضرورت تحقق استقلال فرهنگی (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۴۳)؛
- اصل خودباوری و خوداتکایی فرهنگی و علمی در برابر بیگانگان (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۳۳)؛
- اهمیت بهره‌گیری و سامان‌دهی به تمامی ارکان‌های تعلیمی و تبلیغی برای ترویج فرهنگ اسلامی.

این نوع دفاع در سطح فراملی به‌ویژه در حوزه جهان اسلام با تأکید خاصی همراه است. دفاع از دارالاسلام در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) فقط شامل سرزمین نمی‌شود، بلکه دفاع از کیان و حوزه اسلام، دفاع از هجوم بر خود و از مسلمانان، مظلومان و مستضعفانی که به آن‌ها حمله می‌شود نیز است. حضرت امام (ره) در کتاب تحریرالوسیله و در بخش دفاع، دفاع را بر دو قسم دانسته‌اند که یکی دفاع از اساس اسلام و قلمرو آن و دیگری دفاع از خود و مانند آن است (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲: ۳۲۷-۳۲۹). اینگونه نگرش وسیع و همه‌جانبه حضرت امام (ره) ناشی از آن است که امام بیش از هر چیز به عزت و آبروی اسلام و کشورهای اسلامی بهامی دهد (صحیفه امام، ج ۱۹: ۴۵۷).

بنابراین گفتمان دفاعی امام (ره) در حوزه فرهنگی، دفاع از آموزه‌های اسلامی در برابر آموزه‌های استکباری (دیگری‌سازی استکبار) است، زیرا آموزه استکباری درصدد به تخریب‌کشیدن آموزه اسلامی است، بنابراین امام همواره از تسلط فرهنگ استکباری و غربی و غربزدگی سخن می‌گفت و راه‌حل و مبارزه با این فرهنگ غربی را راهکارهای فرهنگی زیر می‌دانست:

- گسترش نفوذ اسلام در جهان (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۵)؛
- دفاع از حق و عدالت (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۵۲)؛
- مبارزه دائمی با ظلم و استکبار جهانی (صحیفه امام، ج ۲۱: ۳۲۷)؛
- مبارزه با فرهنگ استعماری فکری و فرهنگی (صحیفه امام ج ۲۱: ۴۱۴)؛
- خودباوری و نفی خودباختگی و قطع وابستگی فرهنگی (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۰۷)؛
- اتحاد ملل اسلامی (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۵۴)؛
- غلبه بر استکبار و طاغوت با فرهنگ فداکاری و شهادت‌طلبی (صحیفه امام، ج ۱۰: ۱۲۱).

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

همانگونه که در سطوح ملی و فراملی مطرح شد، آنچه در نزد امام از اهمیت فراوان برخوردار است، حفظ اسلام و دفاع از آن است و حضرت امام (ره) نهضت خود را بر پایه این هدف بزرگ در برابر آمریکا و غرب استوار کردند. اگر تصویر استکبار به مثابه «دیگری» در گفتمان دفاع فرهنگی رهبر کبیر از جهان اسلام روان‌کاوی شود، دو تصویر و بازنمایی از آن به چشم می‌خورد. نخست، استکبار به منزله «ابژه ناامنی» و دوم «ابژه شیطان».

این احساس ناامنی نسبت به استکبار در نزد امام خمینی (ره) و انقلابیون پیرو امام، امری ریشه‌دار در نظام سیاسی اجتماعی ایران قبل از انقلاب و نظام‌های حاکم در بسیاری از کشورهای اسلامی به‌شمار می‌آید. در واقع این حالت ناامن‌گونه فراگیر بخشی از ویژگی‌های روانشناسی اجتماعی آن روزگار بوده است. با ظهور انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری گفتمان «تقابل» در آن، این احساس ناامنی خودآگاهانه و ناخودآگاهانه در خویشن ایرانیان انقلابی نسبت به اعمال و سیاست‌های دول بیگانه در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام، به نظم گفتاری و کردار گفتمانی انقلابیون منتقل شد و استکبار به منزله «ابژه ناامنی» در هسته مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی و به تبع آن در هسته مرکزی گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) جای گرفت. در واقع این ابژه ناامنی با دال امنیت در هسته مرکزی گفتمان دفاعی او و به تبع آن انقلاب اسلامی پیوند خورد و به دال امنیت معنا و مفهوم داد. و به همین دلیل نیز کارکرد گفتمانی ضدیت با استکبار غرب به‌عنوان یک کردار زبانی و گفتمانی، کارکردی «وحشت‌زا» و «امنیت‌زا» داشت. در این مقطع امام خمینی (ره) اقدام به مفهوم‌سازی و کلیشه‌سازی می‌کند. در همین راستا بود که استکبار به نماد «سیاهی و تاریکی» در برابر «خود» ایرانی (مسلمان انقلابی) بازنمایی شد. این سیاهی به مثابه نمادی از غروب/شب/ظلمات/گمراهی و ضلالت تداعی می‌شد و در مقابل انقلابی قرار می‌گرفت که نماد اصلی آن را باید در نشانه-واژه «نور» به مثابه نمادی از طلوع/روشنایی و رستگاری جستجو کرد. که این امر در زبان امام خمینی (ره) و در این جمله مشهور که «انقلاب ما انفجار نور بود» (صحیفه امام، ج ۶: ۱۸۲) متجلی‌گشت. بنیانگذار انقلاب در نظم گفتاری خویش از طریق واژگون‌سازی نمادین دال استکبار غربی، تصویری دگرگونه از آن را در گفتمان دفاعی- فرهنگی خویش بازتولید و بازنمایی می‌کند. و در این نظام

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

معنایی مذهبی، انسان مؤمن و انقلابی باید از جهان شر که جایگاه شیطان است دوری کند و به مقابله با این منبع هراس‌انگیز بپردازد. در گفتار امام (ره) این تقابل و مبارزه میان قطب نور و قطب تاریکی را به خوبی می‌توان دید:

دو جبهه است: جبهه طاغوت و جبهه الله؛ جبهه الله را که توجه به خدا دارد و ایمان به خدا دارند، خدای تبارک و تعالی آن‌ها را از همه ظلمت‌ها اخراج می‌کند و به نور می‌رساند. آن نور، نور خود حق است... طاغوت مردم را از نور خارج می‌کند و به ظلمات می‌رساند... راه طاغوت راه شیطان است... (صحیفه امام، ج ۸: ۲۶۹).

در این گفتمان عناصری چون ایمان به خدا، آموزه‌های شیعی-اسلامی، اعتقاد به مبداء و معاد، خودباوری و خوداتکایی فرهنگی، ترویج فرهنگ اسلامی و غیره؛ باعث خروج از سیاهی و ظلمات استکبار جهانی به منزله شیطان می‌شود. دال امنیت در این حوزه از گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) یک واکنش دفاعی برای احساس غلبه بر این ابژه ناامنی را فراهم می‌کرد. در سطح فراملی این گفتمان، پناه‌بردن به ایده‌های مطلوبی چون «حکومت مستضعفان جهان» و «بیداری تمام خلق‌های مسلمان و مستضعف جهان» و «نابودی آدم‌خواران و سرمایه‌داران و جهان‌خواران و امپریالیسم جهانی» نمونه‌هایی از این نظم‌های گفتاری است که بخشی از ادبیات گفتمان دفاعی امام محسوب می‌شد. به زعم محمدرضا تاجیک «ایران بعد از انقلاب، با محیط امنیتی به‌طور کامل متفاوتی مواجه شد... و امنیت نظام، امنیت آرمانی تعریف شده بود. امنیت آرمانی، «حفظ» را در گرو «بسط» قرارداد. تأمین و تحفظ فیزیکی، به سمت فراموشی سپرده شد و در مرکز ثقل گفتمان امنیتی، پاسداری از ارزش‌ها را نشانده» (تاجیک، ۱۳۸۰: ۱۲۱).

تصویر دیگری که در گفتمان دفاع فرهنگی امام (ره) می‌توان از استکبار‌بازشناسی کرد، نماد «شیطان» است. نماد شیطان کلید اصلی ورود به جهان نمادین و استعاری «اسطوره‌های طرد» در گفتمان دفاعی است. در فرهنگ ایرانی از عهد کهن، شیطان یا اهریمن بازنمایی‌کننده روح شر و بدی و منشأ تاریکی بوده است و ایرانیان به اقوام دشمن خویش آن را نسبت می‌دادند (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۲). شیطان و روح شیطانی به سان ابژه

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

مسخ‌کنندگی انسان و روح انسانی در اغلب فرهنگ‌های بشری قدمتی بسیار دارد. این عنصر مذهبی- اسطوره‌ای در گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)، ابژه دیگری، یعنی استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا را جانشین شیطان و روح شیطانی می‌کند که به قصد مسخ‌کردن و تسخیر ایرانی و روح او آمده‌است. وی در فردای انقلاب، شفاف‌ترین تصویر از استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا را به مثابه شیطان بزرگ به زبان آورد:

در این انقلاب، شیطان بزرگ که آمریکاست، شیاطین را با فریاد دور خودش دارد جمع می‌کند، و چه بچه شیطان‌هایی که در ایران هستند و چه شیطان‌هایی که در خارج هستند جمع کرده‌است و هیاهو به راه انداخته است (صحیفه امام، ج ۱۰: ۴۱۹).

این مفهوم‌سازی به‌وسیله امام، یعنی به‌کاربردن مفهوم "شیطان بزرگ" برای آمریکا، را می‌توان در چارچوب پیوند میان "نمایش دیگری" با کلیشه‌سازی به‌وسیله هال تحلیل کرد. کلیشه‌سازی از نظر او عبارت است از امری که "افراد را به چند خصیصه ساده و ذاتی تقلیل می‌دهد و این خصیصه‌ها به مثابه خصیصه‌هایی بازنمایی می‌شوند که طبیعت آن‌ها را تثبیت کرده‌است." از دید هال، کلیشه‌سازی در فرایند ساختن نمایش "دیگری" "تفاوت" را تقلیل می‌دهد، ذاتی می‌کند، طبیعی می‌سازد و درنهایت تثبیت می‌کند. حضرت امام در واقع با استفاده از مفهوم قرآنی شیطان، تمامی این مراحل را عملیاتی می‌سازد.

منظور بنیانگذار انقلاب از لفظ «بچه‌شیطان‌هایی که در ایران هستند»، گروه‌های سیاسی مخالف بود که نزاع‌های داخلی را بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کردند و به‌واسطه بیگانه‌سازی در نظم گفتاری امام (ره) به منزله نیروهای شیطانی از حوزه خودی‌ها طرد می‌شدند. در گفتمان دفاعی ایشان نزاع‌های داخلی از یک‌سو و تقابل با بیگانگان از سوی دیگر در پیوند با یکدیگر درک می‌شوند و می‌توان گفت که گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از گفتمان سیاست داخلی آن قابل تمایز و تفکیک نیست و هر دو در پیوستار فرهنگی- گفتمانی یک نظام کلان‌تر، یعنی گفتمان تسلیم‌ناپذیری انقلاب اسلامی قابل درک و تعبیر است. در حقیقت تأکید و پافشاری امام خمینی (ره) برای بازنمایی استکبار به‌عنوان شیطان بزرگ به ذهنیت ناخودآگاهانه ایرانیان از شیطان در نظام

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

معنایی مذهبی بازمی‌گردد. و امام (ره) به واسطه برخورداری از سرمایه فرهنگی اساطیری و مذهبی والا، در برابر احساس غرب زدگی و مسخ‌گشتگی، سعی در مسخ‌زدایی و غرب‌زدایی از روح ایرانی می‌کند. در همین چارچوب امام خمینی (ره) سعی می‌کرد مسلمانان جهان را نسبت به نیت شیطانی استکبار بر علیه کشورهای اسلامی آگاه کند. ماروین زونیس مسخ‌شدگی ایرانیان به واسطه غرب از نگاه امام خمینی (ره) را به ضایع شدن مغز ایرانیان تعبیر می‌کند (زونیس، ۱۳۷۰: ۳۳). به هر حال نماد شیطان و رواج آن در نظم گفتاری ایرانیان انقلابی و بازتاب آن در گفتمان دفاع فرهنگی امام (ره) که دال شیطان بزرگ را با مدلول آن، یعنی آمریکا- غرب بازنمایی می‌کرد، جنبه‌ای دفاعی داشت و در حقیقت یک مکانیسم دفاعی بود.

۲- گفتمان دفاع سیاسی

دفاع در حیطه امور سیاسی، به کارکرد نهادهای سیاسی جامعه در تحقق بالاترین ضریب دفع تهدید و امنیت‌زایی اطلاق می‌شود. امام ایران اسلامی را ام‌القرای جهان اسلام می‌دانست، بنابراین در گفتمان دفاعی‌اش در وهله اول بایستی این ام‌القرای به‌عنوان نخستین سنگر حفظ شود. اولین و مهم‌ترین تهاجم دشمنان داخلی و یا خارجی حکومت اسلامی، می‌تواند موضوع براندازی، کشانیدن حکومت به انزوای سیاسی، کاهش اعتبار جهانی، زیرسؤال‌بردن مشروعیت، تضعیف نهادهای دولتی و مواردی از این قبیل باشد که قدر مسلم به‌منظور دستیابی به اهداف خود از تمامی شیوه‌های ممکن استفاده خواهند کرد (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۳۷). هجوم، سلطه و نفوذ سیاسی، هم از طریق مهره‌های دست‌نشانده و ایادی داخلی، هم از طریق دشمنان خارجی و با استفاده از سازمان‌ها و قوانین و ضوابط بین‌المللی در اشکال بسیار وسیع و فراگیر نیز ممکن است اعمال شود. حضرت امام (ره) در این باره می‌گویند:

اصل اساس این را خود این‌ها درست کرده‌اند، اساس این سازمان‌ها ساخته خود این‌هاست، اگر ساخته خود این‌ها نبود، به چه مناسبت باید کشوری یا چند تا کشور قلدر حق وتو داشته باشند؟! ... این را

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

هم درست کرده‌اند. برای بازی دادن ملت‌های کوچک (صحیفه امام، ج ۱۵: ۵۲).

و در جایی دیگر نیز امام می‌فرماید:

«اینجانب مکرر گفته‌ام که تمامی این سازمان‌ها و گروه‌ها برای طرفداری از قدرت‌مندان به وجود آمده‌است» (صحیفه امام، ج ۱۵:

۲۴۳)

در سطح ملی و فراملی به منظور دفاع در مقابل چنین پدیده‌ای و خنثی کردن ترفندهای گوناگون سیاسی دشمنان، نخستین و ارزنده‌ترین قدم، ارتقای سطح آگاهی‌های سیاسی آحاد ملت است. در چنین شرایطی است که هدف اصلی در این تهاجم، یعنی مردم، خود به مبارزه پرداخته و بدین گونه هر نوع حرکتی را در نطفه از بین می‌برند. نکته مهم اینکه دفاع سیاسی در عرصه ملی، افزون بر حوزه داخلی، نسبت به محیط خارجی آنچه که در صحنه سیاست خارجی تولید و صادر می‌شود نیز قابل تعمیم است. در این ارتباط ملاک‌هایی چون پابندی کامل به حفظ استقلال و آزادی به‌عنوان بنیان سیاست در رابطه با بیگانگان (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۱۹) و برقراری رابطه با کشورهای غیرمسلمان بر اساس میزان دوری آنان از وابستگی به استکبار، پرهیز از اعمال سلطه بر ایران و پذیرش عدالت مدنظر است.

در سطح فراملی، دفاع سیاسی درصدد تبیین خطوط فاصل مشخصی میان جهان اسلام و جهان سلطه است. بر این مبنا مفاهیمی چون دفاع از منافع بین‌المللی جهان اسلام (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۵۲)؛ نحوه مقابله با کافران و ستمگران (صحیفه امام، ج ۱۴: ۸۱-۸۲) و ایجاد تشکل‌های اسلامی (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۴۸) مطرح می‌شود. در همین سطح تحلیل، امام خمینی (ره) جبهه جهانی محرومان و مستضعفان را به سوی توسل به راهکارهایی چون قیام ملت‌ها در برابر قدرت‌های بزرگ (صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۲)، توجه به روز قدس و قابلیت‌های آن به‌عنوان مقدمه‌ای برای تحقق حزب جهانی مستضعفان (صحیفه امام، ج ۱۶: ۳۸۲؛ ج ۱۳: ۷۸-۷۹) فرامی‌خواند.

از دید هال و فوکو سوژه متعلق به گفتمان نمی‌تواند بیرون از گفتمان وجودداشته‌باشد،

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

زیرا باید تحت سلطه گفتمان باشد. سوژه باید مطیع قواعد و قراردادها و صورت‌بندی‌های قدرت- دانش باشد. در همین چارچوب، استفاده امام خمینی (ره) از مفاهیم محرومان و مستضعفان نشان‌می‌دهد که ایشان مفاهیم خاص خود را که در چارچوب گفتمان خود اوست به‌کارمی‌گیرد.

با تحلیل و واکاوی در لایه‌های عمیق‌تر سازنده گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) در سپهر سیاست، به دو عنصر و ابژه «آگاهی» و «ابژه فرادستی و فرودستی» می‌رسیم. روان‌کاوی «آگاهی» از استکبار کلید فهم هویت در گفتمان دفاعی است و این آگاهی در گفتمان دفاعی حضرت امام یک آگاهی تکوینی است. این آگاهی از استکبار به مثابه آگاهی از یک «دیگر» (بیگانه) که حاصل شرایط رویارویی انقلاب ایران با جهان غرب و آگاهی پیشینی از بیگانگان و دخالت‌های آنان در طول تاریخ ایران و جهان اسلام است. در دیدگاه بنیانگذار انقلاب، استکبار جهانی چیزی جز یک نظام سلطه نیست که درصدد به اسارت‌درآوردن کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است. ابژه سلطه- اسارت در گفتمان دفاعی امام به شکل «آگاهی تحت سلطه از سلطه‌گر» یا از استکبار بازنمایی می‌شود. امام خمینی (ره) در مقام رهبر انقلاب ایران که گفتارهای او در منظومه گفتمانی انقلاب اسلامی، جایگاه یک فراگفتمان را یافته‌بود، جهان خارجی را در سلطه بازنمایی می‌کرد. این آگاهی به گفتمان دفاعی مسیر مشخص داده و آن، مقابله با این غرب سلطه‌گر بوده‌است:

*ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی
اسلامی مان بارها اعلام کرده‌ایم و درصدد گسترش نفوذ اسلام در
جهان و کم‌کردن سلطه جهان‌خواران بوده و هستیم. حال اگر
نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل
امپراتوری بزرگ می‌گذارند از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم...
(صحیفه امام، ج ۲۰: ۲۳۸)*

تصویر دیگر در سپهر سیاسی گفتمان دفاعی امام «ابژه فرادستی- فرودستی» بود. وجود یک نظام بین‌المللی و جایگاه آمریکا در مقام راهبر اصلی استکبار جهانی در رأس

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

سلسله مراتب نظام بین الملل تداعی گر «ابژه فرادستی - فرودستی» در ناخودآگاه ضدیگانه سوژه های انقلابی بوده است و به طور ناخودآگاهانه ای واکنشی دوباره به مسئله احساس «حقارت» که بخشی از احساس اسارت نیز به حساب می آید رخ داده است. امام خمینی (ره) هم به همین احساس اشاره می کند. احساس حقارتی که به زبان ایشان با احساس در «اسارت غرب» [بودن] و «حضور سلطه طلبانه» آمریکا همراه بوده است و همه در کنار یکدیگر به یک هویت گفتمانی ضدسلطه در گفتمان دفاعی معنای بخشید. در نظم گفتار امام به روشنی می توان این را مشاهده کرد (ر.ک: صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۱۸-۳۱۹).

جایگاه فرادستی و فرودستی در سلسله مراتب نظام بین الملل به هویت ضدسلطه در گفتمان دفاعی بنیانگذار انقلاب معنای پررنگ تری می داد و گفتار و کردار ایشان را به سوی شورش علیه سلسله مراتب نظام بین الملل و نفی وضعیت موجود در سیاست بین الملل سمت و سو داده است. به طوری که «نفی و طرد وضع موجود و نظم بین المللی مستقر» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۹۸) به یکی از عناصر این گفتمان مبدل گشته بود. این امر به سمت نفی نهادهای بین المللی و سازمان های بین المللی سوق یافت، چراکه این نهادها و سازمان ها برای امام تداعی کننده فرایندهای استکبار جهانی بود.

دستگاه های خارجی، از قبیل سازمان ملل و غیره، جز اشخاص

دست نشانده نیستند برای مصالح ممالک بزرگ و اغفال ممالک

کوچک ایجاد شده است (صحیفه امام، ج ۲: ۶۵)

احساس ناخودآگاهانه فرودستی به دال مهم دیگری در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) شکل داده است و آن دال «حمایت از مستضعفان و مظلومین جهان» در سطح فراملی است. برای امام (ره) مستضعفان و مظلومان تداعی کننده احساس فرودستی آزردهنده ای بود که در ناخودآگاه خویش آن را احساس می کردند. و این احساس، مدلول خود را در جهان بیرونی و در نفی سلطه سیاسی ابرقدرت ها و حمایت از مظلوم یافته بود. این حمایت تا حدود بسیاری جنبه آرمانی و اسطوره ای پیدا کرده و گویی مستضعفان جهان به رهبری ایرانیان انقلابی به طور قریب الوقوع در حال پیروزی بر جهان و جهانیان هستند. این امر را می توان در پارادایم فراملی رویارویی مستضعفان در برابر مستکبران مشاهده کرد. بهره گیری

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

از سرمایه‌های فرهنگی دینی نیز در گفتمان‌سازی از آرمان‌حمایت از مستضعفان جهان بسیار کمک کرده‌است. امام خمینی (ه) در حمایت از مستضعفان جهان بیشترین تأکید را داشت و دورنمای این آرمان انقلابی را با نظم گفتار مذهبی خویش این چنین ترسیم می‌کرد: «گویی دولت مستضعفان نزدیک و وعده حق تعالی قریب‌الوقوع است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۳۳۳). جنبه دیگر این حمایت گفتمانی، الگوسازی برای مستضعفان جهان بود که یکی از مهم‌ترین ابعاد گفتمانی در گفتمان دفاعی به‌شمار می‌آمد.

۳- گفتمان دفاع اقتصادی

نقش اقتصاد در حفظ تعادل و پیشرفت جامعه، امری است که از نظر اندیشمندان و مدیران جامعه بسیار حائز اهمیت است. امروزه امور اقتصادی هر جامعه چنان با مبادی فرهنگی و اجتماعی پیوندخورده‌است که بدون توجه به آن، ساختار فرهنگی و نظام اجتماعی نخواهد شکل گرفت. شاید بتوان گفت که روشن‌ترین چهره تهاجم، هجمه اقتصادی است که نماد آن را در ابزار و امکانات روزمره فردی و اجتماعی و سیستم‌های تأمین‌کننده نیازهای مادی می‌توان مشاهده کرد. امام راحل در این باره می‌فرمایند:

عملاً بردگی جدید بر همه ملت‌ها تحمیل شده و اکثریت جوامع بشری در زندگی روزمره خود به اربابان زر و زور پیوندخورده‌اند و حق تصمیم‌گیری در مسائل اقتصاد جهان از آنان سلب شده‌است و علی‌رغم منابع سرشار طبیعت و سرزمین‌های حاصل‌خیز جهان و آب‌ها و دریاها و جنگل‌ها و ذخایر به فقر و درماندگی گرفتار آمده‌اند (صحیفه امام ۲۰: ۳۳۹).

بی‌شک طراحی و اجرای برنامه‌های اقتصادی ناب، نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی و ملی می‌تواند اثرات منفی سلطه اقتصادی دشمنان بر جهان اسلام را خنثی کند؛ اما از آنجایی که اجرای تحولات اقتصادی به برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نیازمند است، بنابراین بیش از هر عمل دیگر بایستی به عوامل مؤثر در نیازمندی‌های جامعه و قطع وابستگی توجه‌شود (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۴۰). شناخت امکانات محلی، نیروی انسانی،

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

منابع و ذخایر و اعمال مدیریت، استفاده از تجارب سایر ملل موفق و بهره‌برداری از دانش نخبگان متعهد و همکاری‌های اقتصادی با دول دوست می‌تواند ما را در مسیر نیل به اهداف اقتصادی و توسعه پایدار یاری دهد. به این دلیل رهبر کبیر، حفظ منافع ملی، رشد صنعت و فناوری و تأمین امنیت مالی جامعه را در پیشرفت اهداف کلی انقلاب اسلامی بسیار مؤثر دانسته، همواره بر هدایت و تقویت بنیه‌های اقتصادی تأکید داشته‌اند.

گفتمان دفاعی حضرت امام خمینی (ره) در سپهر اقتصادی خویش، ابژه «وابستگی» را در خود دارد. در واقع بعد از انقلاب اسلامی این ایده فراگیر وابستگی، که یک جامعه وابسته، جامعه‌ای عقیم و غیرقابل رشد است، به گفتمان دفاعی ایشان سمت‌وسو داد و این گفتمان را به سمت رهایی از وابستگی و حرکت به سوی یک بومی‌گرایی ایدئولوژیک رهنمون کرد. امام راحل احساس می‌کرد که وابستگی به ورود تکنولوژی باعث ازبین‌رفتن شالوده‌های اقتصادی و عقب‌ماندگی جهان ایرانی در برابر استکبار جهانی شده‌است. این احساس فراگیر و اضطراب‌زا در گفتمان دفاعی امام (ره) حضوری نمایان و مسلط داشت. پاک‌سازی تکنولوژی و ماشین از هر نوع بیگانگی و تبدیل آن به بخشی از خویشتن، مهم‌ترین بازنمایی بومی‌گرایی ایدئولوژیک (خودتکایی یا خودکفایی اقتصادی) در گفتمان انقلابی است. به‌زعم ویلیامز و کریسمن، بومی‌گرایی در باورهای عمیق چون مقاومت در برابر فرهنگ غیر، ارج نهادن به هویت «اصیل» و راستین قومی خویش، و آرزوی بازگشت به سنت فرهنگی آلوده‌نشده بومی ریشه دارد (ویلیامز و کریسمن، ۱۹۹۴: ۱۴). به همین خاطر بود که امام خمینی (ره) یکی از برنامه‌های آغازین بعد از انقلاب را نفی صنایع مونتاژ و حرکت به سوی صنایع مادر به منزله صنایع بومی می‌داند و آن را دال بر «صنایع اصیل» می‌شمارد (صحیفه امام، ج ۵: ۲۹۴).

نکته اساسی آنکه در مسئله بومی‌گرایی ایدئولوژیک، گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال نفی حضور بیگانه بوده‌است و نه نفی تکنولوژی؛ و گفتمان دفاعی در عرصه اقتصادی، به دنبال رهایی از دال «وابستگی» ایران و جهان اسلام بوده‌است. دال «استقلال تکنولوژیک»، با دال «امنیت» در گفتمان دفاعی پیوندی خورد. استقلال تکنولوژیک یک دال چندوجهی و چندمعنایی است که در این قسمت، معنای اقتصادی آن مورد توجه است. استقلال

بازنمایی مفهوم «استکبار جهانی» در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

تکنولوژیک در راستای ایجاد یک صنعت دفاعی غیروابسته، مهم‌ترین بخش از نظم گفتاری امام خمینی و دیگر سوژه‌های انقلابی است، بنابراین حضرت امام در سخن خویش یکی از اهداف انقلاب اسلامی را حرکت به سوی صنایع پیشرفته بومی می‌داند: «باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست‌بکنید» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۵۳۶).

نتیجه‌گیری

«گفتمان دفاعی امام خمینی (ره)» بر پایه «دفع تهدید همه‌جانبه از اسلام، جهان اسلام و نظام اسلامی» معنا و هویت می‌یابد. در این رویکرد با درهم‌تنیدگی سطوح ملی و فراملی روبرو هستیم که مستلزم یک تصویرسازی، بازتولید یا بازنمایی خاص از «دیگری» به مثابه دشمن و بیگانه می‌باشد. استکبار در گفتمان دفاعی امام راحل نقش دشمن، دیگری یا بیگانه را دارد.

مفهوم‌سازی به‌وسیله امام، یعنی به‌کاربردن مفاهیم اسلامی برای توصیف دشمن یا دیگری را می‌توان در چارچوب پیوند میان «نمایش دیگری» با کلیشه‌سازی به‌وسیله استوارت هال تحلیل کرد. از دید هال، کلیشه‌سازی در فرایند نمایش «دیگری» «تفاوت» را تقلیل می‌دهد، ذاتی می‌کند، طبیعی می‌سازد و درنهایت تثبیت می‌کند. امام خمینی (ره) در واقع با استفاده از مفاهیم قرآنی، از جمله استکبار و شیطان بزرگ برای توصیف آمریکا، تمامی این مراحل را عملیاتی می‌سازد.

از دید هال و فوکو سوژه متعلق به گفتمان، نمی‌تواند بیرون از گفتمان وجود داشته باشد؛ زیرا باید تحت سلطه گفتمان باشد. سوژه باید مطیع قواعد و قراردادها و شکل‌بندی‌های قدرت - دانش باشد. در همین چارچوب، استفاده امام خمینی (ره) از مفاهیم محرومان و مستضعفان نشان می‌دهد که ایشان مفاهیم خاص خود را که در چارچوب گفتمان خود اوست به‌کار می‌گیرد.

در تصویر «استکبار» به مثابه «دیگری» دو تصویر و بازنمایی از آن به چشم می‌خورد: نخست، استکبار جهانی به منزله «ابژه نامنی» و دوم «ابژه شیطان». با ظهور انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری گفتمان «تسلیم‌ناپذیری»، احساس نامنی خودآگاهانه و ناخودآگاهانه در

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

خویشتن ایرانیان انقلابی و مسلمانان جهان، این ابژه نامنی با دال امنیت در هسته مرکزی گفتمان دفاعی امام و به تبع آن انقلاب اسلامی پیوندخورد و به دال امنیت معنا و مفهوم داد و به همین دلیل نیز کارکرد گفتمانی ضدیت با استکبار به عنوان یک کردار زبانی و گفتمانی، کارکردی «وحشت‌زدا» و «امنیت‌زا» داشت. در همین راستا بود که استکبار جهانی به نماد «سیاهی و تاریکی» در برابر «خود» ایرانی (مسلمان/ انقلابی) و «خود» مسلمان سایر کشورهای جهان اسلام بازنمایی شد. در این نظام معنایی مذهبی این تقابل، مبارزه میان قطب نور و قطب تاریکی است.

این شیوه بازنمایی استکبار در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) با «نمایش دیگری» در دیدگاه استوارت هال همخوانی دارد. در واقع، هال معتقد است که از رابطه میان دو نظام بازنمایی، نشانه‌ها تولید شده، درون زبان سازمان می‌یابند معنا تولید می‌کنند و می‌توان آن‌ها را برای ارجاع به اشیاء، مردم و اتفاقات در جهان واقعی استفاده کرد. او همچنین «نمایش دیگری» را با کلیشه‌سازی پیوند می‌دهد. کلیشه‌سازی از نظر او عبارت است از امری که «افراد را به چند خصیصه ساده و ذاتی تقلیل می‌دهد و این خصیصه‌ها به مثابه خصیصه‌هایی بازنمایی می‌شوند که طبیعت آن‌ها را تثبیت کرده است».

در خرده‌گفتمان سیاسی گفتمان دفاعی امام، وجود یک نظام بین‌المللی و جایگاه استکبار جهانی (ابژه سلطه) در رأس سلسله‌مراتب نظام بین‌الملل تداعی گر «ابژه فرادستی - فرودستی» بود و بنابراین واکنش به آن واکنش ناخودآگاه به مسئله احساس «حقارت» که بخشی از احساس اسارت نیز هست به حساب می‌آید. احساس ناخودآگاهانه فرودستی به دال مهم دیگری در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) شکل داده است و آن دال «حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان» در سطح فراملی است. و این احساس، مدلول خود را در جهان بیرونی و در نفی سلطه سیاسی ابرقدرت‌ها و حمایت از مظلوم یافته بود.

در خرده‌گفتمان دفاع فرهنگی امام، استکبار جهانی نماد «شیطان» است. نماد شیطان کلید اصلی ورود به جهان نمادین و استعاره‌ای «اسطوره‌های طرد» در گفتمان دفاعی است. این عنصر مذهبی - اسطوره‌ای در گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)، ابژه «دیگری»، یعنی استکبار را جان‌نشین شیطان و روح شیطانی می‌کند که به قصد مسخ کردن و

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

تسخیر روح ایرانی و روح اسلامی آن آمده‌است. رهبر کبیر در فردای انقلاب، شفاف‌ترین تصویر از استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا را به‌عنوان «شیطان بزرگ» (دشمن شماره یک ایران و جهان اسلام) به زبان آورد.

گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) در خرده‌گفتمان اقتصادی خویش، ابژه «وابستگی» را در خود دارد. در نتیجه گفتمان دفاعی ایشان به سمت رهایی از وابستگی و حرکت به سوی یک بومی‌گرایی ایدئولوژیک-تکنولوژیک از طریق ایران و کشورهای اسلامی را جهت‌گیری می‌کند. پاک‌سازی تکنولوژی و ماشین از هر نوع بیگانگی و تبدیل آن به بخشی از خویشتن مهم‌ترین بازنمایی بومی‌گرایی ایدئولوژیک (خوداتکایی یا خودکفایی اقتصادی در میان کشورهای اسلامی) در گفتمان انقلابی امام است.

نشانه‌شناسی عناصر و استعاره‌ها و اجزای بازنمایی و دیگرسازی از استکبار جهانی در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که ایشان در سه سپهر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی رویکردهای دفاعی منحصر به فرد خود را در مقابل «دشمن یا دیگری» ایران و جهان اسلام ارائه می‌دهند که تلاش شد در این پژوهش واکاوی شود.

منابع

۱- منابع فارسی

- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۴)، *زبان، گفتمان و سیاست خارجی*، تهران: اختران.
- استادی، رضا (۱۳۷۰)، «مشایخ امام خمینی (ره)»، *کیهان فرهنگی*، سال ششم.
- اسمارت، بری (۱۳۸۵)، *میشل فوکو، مترجمان: حسن چاووشیان و لیلاجوافشانی*، تهران: اختران.
- اسمیت، ف (۱۳۸۳)، *درآمدی بر نظریه فرهنگی*، مترجم حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اسمیت، رامان؛ ویدوسون، پیت (۱۳۸۷)، *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه: عباس

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

مخبر، چاپ چهارم، تهران: طرح نو.

- مرشدی زاد، علی (۱۳۸۷)، *انقلاب مشروطه*، تهران: امیرکبیر.

- غفاری، زاهد (۱۳۹۱)، «تئوری توطئه در ایران»، حضور، دوره سوم، شماره ۲.

- امین، حسن (۱۳۷۸)، «نظام بین‌الملل و جمهوری اسلامی ایران»، *نامه پژوهش*، سال ۳ و ۴، ش ۱۲-۱۳.

- پین، مایکل (۱۳۷۹)، *بارت، فوکو، آلتوسر*، مترجم پیام پزدانجو، تهران: نشر مرکز.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: فرهنگ گفتمان.

- توحیدی، علی اصغر، (۱۳۷۸)، *قرائت امام خمینی (ره) از سیاست*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.

- حجازی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، «امام خمینی و شرایط اجتهاد لازم و کافی در دنیای کنونی»، *ماهنامه حضور*، شماره ۱۱.

- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۴)، «تحلیل گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۲۸.

- حسینی، حسین (۱۳۷۱)، «سیاست دفاعی، چارچوبی برای تحلیل»، *مجله سیاست دفاعی*، سال اول.

- {امام} خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- {امام} خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳)، *چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- {امام} خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۲ جلدی.

- بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتمان دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام
- دریفوس، هربرت؛ رابینو، پل (۱۳۸۵)، *میشل فوکو: فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، مترجم حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، *شکست شاهانه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- زهدی، یعقوب (۱۳۸۶)، «مقایسه سیاست دفاعی با راهبرد دفاعی و دکترین دفاعی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال پنجم، شماره ۱۷.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان*، تهران: نشر نی.
- سهرابی، محمد (۱۳۸۴)، *سیری در اندیشه دفاعی امام خمینی (ره)*، تهران: عروج.
- شاهجویی، محمدامین (۱۳۷۹)، *بنیان مرصوص امام خمینی (ره) در بیان و بنیان آیت ...* *جوادی آملی*، تهران: اسراء.
- صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۲)، «ماهیت و روش شناسی توین راهبرد دفاع ملی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال اول، شماره ۱.
- قادری، علی (۱۳۷۵)، «امام خمینی (ره) در پنج حوزه معرفت سیاسی»، حضور، شماره ۱۸.
- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۵)، «جلوه‌هایی از توجه به زمان و مکان در اجتهادات فقهی امام خمینی (ره)»، حضور، ش ۱۶.
- گراهام، آلن (۱۳۸۵)، *رولان بارت*، مترجم پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
- لاکلائو، ارنستو (۱۳۸۵)، *واسازی، عمل‌گرایی، هژمونی در: دیکانستراکشن و پراگماتیسم*، ویراسته شتال موفه. مترجم شیوا رویگریان. تهران: گام نو.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)، «ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری جنگ‌های جدید و امنیت ملی ج.ا.ا.»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دوم، شماره پنجم.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۵)، *آمریکا، هژمونی شکننده*، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

سید صدرالدین موسوی جشنی، مسعود درودی

- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷)، *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

- میلنر، آ؛ برایت، ج (۱۳۸۵)، *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر*، مترجم جمال محمدی، تهران: نشر ققنوس.

- نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، *فرهنگ دفاعی-امنیتی*، تهران: سنا.

- هال، استوارت (۱۳۸۶)، *غرب و بقیه: گفت‌وگو و قدرت (مجموعه فهم جامعه مدرن)*، مترجم محمود متحد، تهران: نشر آگاه.

۲- منابع لاتین

- Barker, C. (2003), *Cultural Studies: Theory and Practice*. London: Sage Publication.

- Fillion, R. (2005) و "Freedom, Truth, and Possibility in Foucault's Ethics", *Foucault Studies*. Vol. 1 (3) : 50-64.

- Hall, S. (1997), *Representation: Cultural Representation and Signifying Practices*, London : Open University Press.

- Hall, Stuart(2003) , "The Work Representation" , in Stuart Hall (ed.), *Representation : Cultural Representation and Signifying Practices*. London: Sage.

- Johnson , Jack (2003), *State and Others: New Challenges. New Tools for Defense Decision Making* . Rand.

- Johnson, R. (2007). "Post-Hegemony? I Don't Think So", *Theory, Culture & Society*. Vol. 24 (3) : 95-111.

- Lash, S. (1988). "Discourse of Figure? Postmodernism as a Regime of signification", *Theory, Culture & Society*, Vol.5(2): 311-336.

- Sharp, M. (2005). " Critique as Technology of the self ", *Foucault Studies*, Vol. 1 (2) : 97-116.

بازنمایی مفهوم "استکبار جهانی" در گفتار دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام

- Van Leeuwen, T. (2007), " Legitimation in Discourse and communication", *Discourse & Communication*. Vol. 1 (1): 91-112.
- Williams, Patrick and Laura Chrisman, eds (1994), *Colonial Discourse and Post-colonialism Theory : A Reader*, New York . Columbia Uni. Press.

Representation of Global Arrogance in Imam Khomeini's Defense Discourse

Seyed Sadroddin Moosavi Jashni^{1*}
Masood Daroodi²

Received on: 12/25/2012

Accepted on: 05/10/2013

Abstract

In order to defend the abode of Islam (world of Islam), Imam Khomeini in his defense discourse, used the method of imaging and representation of other as enemy or alien. In this method, Imam Khomeini by otherization of the arrogance, connected the national level of security and the level of security and defense of the world of Islam to its transnational and international levels. The defense of the abode of Islam in Imam Khomeini's defense discourse did not merely include the territory, but also protection of the dignity and field of Islam, protection of the Muslims under attack, defense against any attack and defense of the oppressed people who are under attack. The main objective of the present paper is to semantological study of elements, metaphors and components of representation and otherization of arrogance in Imam Khomeini's defense discourse (with regard to Iran and the world of Islam) in three fields: political, economic and cultural. The main question of the present paper is: How is arrogance as other represented in Imam Khomeini's discourse? In order to answer the above question, discourse analysis has been used and the data have been garnered from Imam Khomeini's works. Attempts have been made to analyze Imam Khomeini's representation of arrogance in his defense discourse within the framework of the representation of other in accordance with the notion of Stewart Hall.

Keywords: world of Islam, Imam Khomeini, representation defense discourse, other

1*. Assistant Professor of Political science at Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Center, (Corresponding Author: sadrmoosavi@yahoo.com)

2 . M.A. in Political Thought of Islam, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Center.